

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۱۴

صفحات ۱۶۷-۱۴۷

## تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور\* مورد: دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی

افشین متقی \*\*: استادیار دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
حسین ربیعی؛ استادیار دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
مصیب قره‌بیگی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۳۰

### چکیده

سازمان فضایی یا ساماندهی همگن توسعه‌ی فضا، یکی از دغدغه‌های بنیادی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان در مقیاس‌های گوناگون ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. برنامه‌ریزی، ارتباط و جریان‌های میان سکونتگاه‌ها به‌ویژه در مناطق مرزی، نیاز به ساماندهی فضایی را برای نواحی روستایی به‌وجود می‌آورد تا مسائل کلان و ملی، همچون موضوعات امنیتی را بتوان دقیق‌تر و کارآمدتر سامان‌دهی کرد. با توجه به چنین اهمیتی، پژوهش پیش‌روی، کوشیده است تا سطح توسعه‌ی فضایی دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی را مطالعه کند. در پژوهش پیش‌روی، ۲۳ شاخص از شاخص‌های توسعه‌ی فضایی واکاوی شده است. پژوهش، از لحاظ روشی علی-مقایسه‌ای است و با بهره‌گیری از روش شباهت به گزینه‌ی ایده‌آل (تاپسیس) و روش آنتروپی به بررسی آمایشی ۱۱ دهستان از مجموع دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی پرداخته است. نتایج این پژوهش، نشان از آن دارد که دهستان "مود"، در بالاترین سطح برخورداری نسبت به دیگر دهستان‌های مورد مطالعه قرار دارد. از لحاظ توسعه‌ی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، آموزشی-فرهنگی، بهداشتی-درمانی و شاخص‌های زیربنایی، ۶ دهستان شامل درج، مومن آباد، میغان، بندان، شوسف و گزیک بعنوان دهستان‌های نیمه برخوردار و چهار دهستان به ترتیب شامل قهستان، میان‌دشت، نهارنجان و عرب‌خانه به‌عنوان دهستان‌های محروم شناسایی شدند. از این رو، به نظر می‌رسد که سازمان فضایی در میان دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، به شدت نامتوازن و نامتجانس است.

واژگان کلیدی: توسعه، امنیت پایدار، سازمان فضا، دهستان‌های مرزی خراسان جنوبی.

\* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی آقای مصیب قره‌بیگی در دانشگاه خوارزمی تهران است.

\*\* Email: afshin\_mottaghi@yahoo.com

## (۱) مقدمه

کندوکاو درباره‌ی ناهمگنی، عدم توازن و نابرابری و وجود آن در محدوده‌های جغرافیایی گوناگون در سال‌های اخیر، توجه رژیم‌های سیاسی، برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران را به خود جلب کرده است؛ به گونه‌ای که وجود نابرابری در ابعاد مختلف، از نشانه‌های برجسته‌ی توسعه‌نیافتگی به شمار می‌آید (Persson and Tabellini, 2014: 2). برنامه‌ریزی فضایی یا سازماندهی فضایی، روندی است برای آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی ایجاد شده در فضای جغرافیایی و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتاب‌های تخریبی و منفی در فضای سرزمین (مومنی، ۱۳۷۷: ۵۹). موضوع ساماندهی فضایی در مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی مورد توجه است. در هر یک از سطوح مذکور، دستیابی به الگوی مناسب فضایی که در آن سطوح مختلف سکونتگاهی بتوانند در قالب یک نظام سلسله‌مراتبی کارآمد در ارتباط متقابل باهم قرار گیرند، مورد نظر است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۱۸۱). به بیان دیگر، برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط میان سکونتگاه‌ها، نیاز به سازماندهی فضایی را برای نواحی روستایی به وجود می‌آورد. با چنین ارتباطی، سرمایه‌گذاری‌ها در سکونتگاه‌هایی انجام خواهد شد که بیشینه‌ی جمعیت مناطق پیرامونی از شاخص‌ها و امکانات رفاهی - خدماتی برخوردار شوند (زبردست، ۱۳۸۲: ۵۲). به منظور سرمایه‌گذاری جهت انجام برنامه‌ریزی و ساماندهی مطلوب در هر سطحی، شناخت امکانات، محدودیت‌ها و تنگناها، نیازها و خواسته‌ها شرط اول است. اما این شناخت، چز با وضعیت‌سنجی برخوردار و بهره‌مندی یک فضا از شاخص‌های توسعه فراهم نخواهد شد و از همین روی، برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار، توجه به توسعه‌ی روستایی و افزایش سطح کیفیت زندگی روستاییان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (شاهرخی ساردو و نوری‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹).

زمانی که عدم تعادل در پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه شدت بیشتری به خود بگیرد، به صورت تصاعدی عدم تعادل فضایی امکانات و جمعیت را دامن می‌زند و ضمن تشدید تمرکز شاخص‌ها در نقاطی که هم اکنون از معضل تمرکز امکانات و جمعیت در رنج هستند، موجب رانش جمعیت و امکانات از مناطق محروم می‌شود و گره‌های کور عدم تعادل در سطح فضای جغرافیایی را بیشتر می‌نماید (کریمی - پور، ۱۳۸۱: ۲۳). بی‌توجهی به عدم تعادل موجود در هر منطقه یا کشور، ضمن فشار به مکان، منابع و جمعیت در نقاط و کانون‌های تمرکز، منجر به کاهش بهره‌وری بهینه منابع در مناطق کم‌تمرکز و گریز جمعیت و نیروی انسانی از این مناطق گشته و در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار نیروی انسانی را ناممکن می‌نماید (Persson, 2005: 31). بدین‌سان، بررسی شاخص‌های عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در سطوح گوناگون و به ویژه در سطح ناحیه‌ای، هم معیاری مناسب جهت تعیین جایگاه نواحی است و هم نیازمند اعمال ملاحظات خاص در سطح ناحیه‌ای و تعیین شرایط سازگاری و انطباق ملی - ناحیه‌ای است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۳). برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار به عنوان

هدف غایی برنامه‌ریزی، گام نخست بررسی و شناخت واقعی از وضع موجود و سطح برخورداری مناطق به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به توسعه است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷). برنامه‌ریزی با هدف توسعه‌ی پایدار سکونت‌گاه‌ها به ویژه در مناطق مرزی، نیاز به سازماندهی فضایی را برای نواحی روستایی به وجود می‌آورد تا مسائل کلان و ملی، همچون موضوعات امنیتی را بتوان دقیق‌تر و کارآمدتر سازمان‌دهی کرد. از این رهگذر، در این پژوهش به بررسی تجانس یا عدم تجانس در پراکنش فضایی الگوی توسعه در دهستان‌های استان خراسان جنوبی، از نظر شاخص‌های زیرساختی، اجتماعی - اقتصادی، آموزشی و فرهنگی و بهداشتی - درمانی ارزیابی و رتبه‌بندی شده است. بر پایه‌ی نتایج برآمده از این پژوهش، به نظر می‌رسد که سازمان فضایی در میان شهرستان‌ها و دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، به شدت نامتوازن و نامتجانس است.

## ۲) چارچوب نظری

سازمان فضا یا سازماندهی فضا<sup>۱</sup>، یک کنش جغرافیایی برای سازماندهی است و اشاره به یک زمینه‌ی مطالعاتی میان‌رشته‌ای دارد که در آن ابعاد فضایی و فرآیندهای سازمانی یک پدیده بررسی می‌شود. این علم، به واکاوی چگونگی تعامل فضا و سازمان می‌پردازد. واژه‌ی Organization در حالت مفرد خود، هم به معنای «سازمان یا تشکیلات» است که به صورت یکپارچه و تجمیعی برای رسیدن به یک هدف تشکیل شده است و هم به معنای فعلی «سازمان دادن یا سازماندهی کردن»<sup>۲</sup> است که در آن رویه‌های ساخته شدن این تشکلات بررسی می‌شود. واژه‌ی Institution که در ادبیات جغرافیا، گاهی به عنوان مترادفی برای واژه‌ی Organization قلمداد می‌شود، دارای بار معنایی سیاسی است که ساخت اجتماعی و رفتار سیاسی را به صورت رسمی یا غیررسمی قاعده‌مند و نهادینه می‌کند (Muller, 2013: 3). سازمان فضا را می‌توان در یک کلیت و گستره‌ی فراگیرتری به نام «جغرافیای سازمان» یا «جغرافیای سازماندهی»<sup>۳</sup> بررسی کرد. گفتنی است که عنوان این علم، قطعاً «جغرافیای سازمانی»<sup>۴</sup> نخواهد بود؛ چراکه افزون بر آنکه در ادبیات انگلیسی، در این مورد واژه‌ی Organization هیچ‌گاه به صورت صفت (Organizational) به کار نرفته است، در درون خود واژه‌ی Organization نیز هم «عمل سازمان دادن/ سازماندهی کردن» و هم «چیز سازمان‌یافته/ سازماندهی شده»، نهفته است؛ اما قطعاً می‌توان از «جغرافیای نهادی»<sup>۵</sup> سخن به میان آورد که هدف آن بررسی تعامل میان نهادها، فضا و یا چگونگی فضاوند شدن نهادها است (Philo and Par, 2000: 513-514). همچنین در ادبیات جغرافی دانان

<sup>۱</sup> Organization of Space

<sup>۲</sup> Organizing

<sup>۳</sup> Geography of Organization

<sup>۴</sup> Organizational Geography

<sup>۵</sup> Institutional Geography

پسامدرن، واژه‌ی جغرافیا همواره به صورت «جمع» به کار می‌رود و از نظرگاه آنان، «به تأسی از پلورالیسم، عدم قطعیت<sup>۱</sup> و روایت‌ها<sup>۲</sup> در پسامدرنیسم و مرگِ فردگرایی<sup>۳</sup>، مطلق‌گرایی<sup>۴</sup> و فراروایت<sup>۵</sup>، جغرافیا نیز باید به جغرافیاهای<sup>۶</sup> تبدیل شود» (Soja, 1989: 13). از این رو، در ادبیات انگلیسی، «جغرافیاهای سازمان» یا «جغرافیاهای نهادی» نیز مطرح است. موضوع «جغرافیای سازماندهی»، تعامل میان فضا و سازمان است و به دلیل اهمیت فزاینده‌ی سازمان‌ها در زندگی انسان و رشد روزافزون آن در همه‌ی ابعاد زیست‌بشر در دنیای کنونی، مطرح شده است. همچنین، فرآیند جهانی‌شدن و در نتیجه، فشرده شدن زمان-فضا، اهمیت برجسته‌ای برای نقش فضا در فعالیت‌های سازمانی به بار آورده است. نخستین کوشش‌ها در زمینه‌ی جغرافیای سازمان، از آغازین روزهای سال ۲۰۰۰ میلادی فروزان گشت و تا به امروز، اهمیت آن بیشتر و آشکارتر می‌شود. از جمله‌ی نخستین کسانی که به عامل فضا و سازمان علاقه‌مند شدند و پژوهش‌های علمی درخوری را انجام دادند، می‌توان از فیلو و پار<sup>۷</sup> (۲۰۰۰)، هرنس<sup>۸</sup> (۲۰۰۴)، کیلگ و کورنبرگر<sup>۹</sup> (۲۰۰۶)، بویس و استیارت<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲) و مولر<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۳) یاد کرد. البته کار کلاسیک در این زمینه نیز از آن ادوارد سوجا (۱۹۷۱) است که در کتابی کم حجم و ۵۴ صفحه‌ای با نام «سازمان سیاسی فضا»<sup>۱۲</sup>، نخستین بارقه‌های مطالعه‌ی تعامل میان فضا و سازمان در چارچوب سیاست را برافروزاند.

ماهیت میان‌رشته‌ای جغرافیای سازماندهی ایجاب می‌کند که با طیف گسترده‌ای از علوم در ارتباط باشد. اما، از میان همه‌ی علوم مرتبط، جغرافیای انسانی و مدیریت بیش از دیگر علوم در کنش و منش آن دخیل هستند. تا پیش از برافکندن مباحث جغرافیای پساساختارگرا، نزدیکی «سازمان» در مدیریت و سازمان در جغرافیا، ناممکن و دور از ذهن می‌نمود. در واقع، سه حوزه‌ی نظری متفاوت درباره‌ی سازمان فضا و جغرافیای سازماندهی وجود دارد؛ پوزیتویسم، رئالیسم انتقادی و پساساختارگرایی (Muller, 2013: 4).

از نگرش پوزیتویسم که ماکس وبر (۱۹۲۲) از سرآمدانِ چنین نگاهی به آن است، سازمان یک محدوده‌ی مشخص و معین در نظر می‌گیرد که یک موجودیت قاعده‌مند و معمول دارد. این نظرگاه به

<sup>1</sup> Uncertainty

<sup>2</sup> Narrations

<sup>3</sup> Individuality

<sup>4</sup> Absolutism

<sup>5</sup> Meta-Narrations

<sup>6</sup> Geographies

<sup>7</sup> Philo and Parr

<sup>8</sup> Hernes

<sup>9</sup> Clegg and Kornberger

<sup>10</sup> Beyes and Steyaert

<sup>11</sup> Müller

<sup>12</sup> The Political Organization of Space

پراکنش فضایی رابطه‌های سازمانی چه درون خود سازمان و چه در محیط پیرامون، تأکید خاصی دارد و برای بررسی این پراکنش و چگونگی و چرایی آن، به علم فضایی<sup>۱</sup> و گزینش‌های عقلانی<sup>۲</sup> روی می‌آورد. پوزیتیویسم برای بررسی رابطه‌ی میان سازمان و فضا، از نقشه‌های توصیفی الگوهای پراکنش فضایی سود می‌جوید، اما در صدد پیش‌بینی الگوهای فضایی از طریق متغیرهای سازمانی و یا برعکس است. این دیدگاه با چگالی سنگین روش‌های کمی تا دهه‌ی ۱۹۷۰ هواداران پرشماری داشت، اما مطرح شدن نظریه‌ی انتقادی در مطالعات جغرافیایی تا اندازه‌ای رو به افول نهاد، اما کماکان در جهان پژوهش هواداران خاص خود را دارد.

دیدگاه رئالیسم انتقادی، قلمداد کردن سازمان‌ها به مثابه‌ی یک چیز بسته، تحدیدی و مرزبندی شده را نمی‌پذیرد و سازمان‌ها را به مثابه‌ی یک کلاف پیچ در پیچ در نظر می‌آورد که درون ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهم مرتبط شده‌اند. از این رو، اقدامات سازمانی بدون پرداختن به رابطه‌ی آن با محیط پیرامونی، قابل مطالعه نخواهد بود. این نوع نگرش، مدیون پژوهش‌ها و بینش‌های گرانوتر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) درباره‌ی مفهوم «جای‌دهی»<sup>۴</sup> و نیز نظریه‌ی ساختاربندی<sup>۵</sup> آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) است که در آن نه تفاسیر ساختاری<sup>۶</sup> و نه کارگزارانه<sup>۷</sup> در کنش سازمانی ارجحیت ندارند. نظریه‌ی ساختاربندی گیدنز، یکی از کوشش‌های جامع در راستای تلفیق کارگزار (عامل)<sup>۸</sup> و ساختار است. گیدنز بر آن است که «هر بررسی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا کارگزاری (عاملیت)<sup>۹</sup> را با ساختار مرتبط سازد و این دو را هم‌زمان باهم و همراه باهم بررسی کند» (Giddens, 1984:21). رئالیسم انتقادی با پرهیز از روش‌های کمی و توصیف الگوهای فضایی، از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌ی نیمه ساختاری<sup>۱۰</sup> همراه با روش‌های کمی استفاده می‌کند. این دیدگاه برای مفهوم‌سازی رابطه‌ی میان سازمان به مثابه‌ی کارگزار (عامل) و فضا به مثابه‌ی زمینه‌ی متغیری که سیاست، اقتصاد و اجتماع (به ویژه جغرافیای اقتصادی) را دربر می‌گیرد، بسیار مفید خواهد بود.

نظریه‌ی پسا‌ساختارگرایی بر آن است که نمی‌توان «سازمان» را به مثابه‌ی یک چیز قطعی و مشخص در نظر گرفت، بلکه باید آن را به مثابه‌ی یک «موجودیت موقتاً تثبیت شده»<sup>۱۱</sup> در نظر آورد که دارای اثراتی در یک زمان و مکان مشخص است و با گذار زمان، آن اثرات نیز از میان می‌روند و موقعیت‌ها و

<sup>1</sup> Spatial Science

<sup>2</sup> Rational Choice

<sup>3</sup> Granovetter

<sup>4</sup> Embeddedness

<sup>5</sup> Structuration

<sup>6</sup> Structural Explanations

<sup>7</sup> Agential

<sup>8</sup> Agent

<sup>9</sup> Agency

<sup>10</sup> Semi-Structured Interviews

<sup>11</sup> Temporarily Fixed Entity

شرایط جدید، اثرات فضایی و کنش‌های سازمانی تازه‌ای پدید می‌آورد و این جریان تغییر مدام بازتولید می‌شود. ویک<sup>۱</sup> (۱۹۷۹)، یکی از کسانی است که از نظرگاه پسا ساختارگرایی به تعامل میان فضا و سازمان پرداخته است. وی با تاکید بر مفهوم «گذارن»<sup>۲</sup> (وضع کردن)، سازمان را به مثابه‌ی یک چیز نامحدود و بی‌مرز در زمان و فضا می‌بیند. در واقع، از نظرگاه پسا ساختارگرایی، سازمان یک پدیده‌ی ناگهانی، چندگانه و فاقد ساختار مشخص است. این وضعیت ساختار شکنانه در مطالعه‌ی سازمان فضا، از نظریات میشل فوکو، ژیل دولوز، برونو لاتور و لافور<sup>۳</sup> برمی‌خیزد. ساخت معنا در سازمان و ابعاد معناشناختی<sup>۴</sup> زیست اجتماعی در این نوع نگرش اهمیت شایانی دارد. جدول شماره ۱، مجموعه نظریات جغرافیای سازمان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): چارچوب نظری سازمان فضا

رویکرد	پوزیتیویسم	رنالیسم انتقادی	پسا ساختارگرایی
سازمان	موجودیت مشخص، محدود و معین	موجودیت جاسازی شده (جای-دهی شده) <sup>۵</sup>	موقتاً تثبیت شده و ساختاریافته
هدف	نقشه برداری (نگاشت) <sup>۶</sup> از سازمان	متنیت سازی (زمینه مند کردن) <sup>۷</sup> سازمان	سازمان ساختار شکسته
پرسش بنیادی	الگوهای فضایی رابطه‌های سازمانی کدامند؟	چگونه سازمان با زمینه‌ی اجتماعی-اقتصادی خود پیوند می‌خورد؟	چگونه سازمان به مثابه‌ی یک نظم موقت و مشروط در فضا بوجود آمده و سپس از میان می‌رود؟
روش‌شناسی	آمار توصیفی و استنباطی، GIS و تحقیق پیمایشی	مصاحبه‌ی باز و ساختاریافته، مشاهده‌ی مشارکتی (توام با مشارکت) <sup>۸</sup> ، آمار توصیفی	مشاهده‌ی مشارکتی، مصاحبه‌ی باز (آزاد) <sup>۹</sup> ، تحلیل متن <sup>۱۰</sup> ، تحلیل دیداری <sup>۱۱</sup>

منبع: Muller, 2013,4.

سازماندهی سیاسی فضا، تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی بر اساس عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به منظور اداره و مدیریت بهینه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای توسعه‌ی پایدار و به منظور ایفای نقش سیاسی است. دولت‌ها به

<sup>1</sup> Weick

<sup>2</sup> Enactment

<sup>3</sup> Lefebvre

<sup>4</sup> Semiotic

<sup>5</sup> Embedded

<sup>6</sup> Mapping

<sup>7</sup> Contextualizing

<sup>8</sup> Participant Observation

<sup>9</sup> Open Interviews

<sup>10</sup> Text Analysis

<sup>11</sup> Visual analysis

دلیل اهمیت سازماندهی سیاسی فضا در توسعه کشورشان نسبت به تقسیم فضای دورنی سرزمین خود به شکل مناسب و بهینه جدیت خاصی دارند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹). سازماندهی سیاسی فضا از اهمّ مسائلی است که یک کشور در حال رشد باید برای انجام برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی و اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر به آن توجه کند (رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۵). برنامه‌ریزی و ساماندهی یک عمل چند بعدی است که عوامل اجتماعی، سیاسی، روانشناختی، مردم‌شناسی و تکنولوژیکی را در بر می‌گیرد و بر گذشته، حال و آینده تأکید می‌کند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، هرگونه اقدامی که در جهت هدایت معقول و علمی برنامه‌های مختلف انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک منطقه در ارتباط با یکدیگر و برای دنبال کردن هدف خاصی است. یکی از اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیل به رفاه انسان است (قنبری، ۱۳۸۷: ۷۷). برنامه‌ریزی منطقه‌ای مولود نابرابری‌های منطقه‌ای (عدم وجود تعادل میان استان‌های یک کشور، عدم تعادل شهری-روستایی، لزوم مشارکت محلی در فرآیند توسعه، لزوم هماهنگی میان سیاست‌های ملی و محلی، تأمین عدالت اجتماعی و تأمین نابرابری میان مناطق) است که به قطبی شدن فزاینده درآمد، فرصت‌های اشتغال، دسترسی به آموزش، خدمات و سایر تسهیلات میان مناطق شده است (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۵۲-۱۵۱).

جغرافی دانان در مطالعه‌ی سازمان فضایی، غالباً روی سه عامل بیشتر تأکید می‌کنند: ۱- گره-ها (مکان مرکزی)؛ ۲- پیوندها؛ ۳- حوزه نفوذ. در واقع برنامه‌ریزی چند سطحی، تجدید سازمان فضایی از طریق بازساخت گره‌ها، پیوندها و حوزه نفوذ خواهد بود. بدین‌سان که در این قبیل برنامه‌ریزی‌ها، فرآیندهای مرکزیت متمرکز، رها می‌شود و به جای آن، عدم مرکزیت متمرکز در فعالیت‌های انسانی می‌نشیند. سازمان بازساخت شده، به صورت سازمان فضایی برنامه‌ریزی چندسطحی ظاهر می‌گردد. از دید کاربردی، منطقه‌بندی کشوری زمانی کارساز است که روان و کارآمد بوده، کمترین تنش و بیشترین همکاری و هماهنگی متقابل را در درون منطقه و میان مناطق همجوار به وجود آورد. در واقع منطقه‌بندی سیاسی- امنیتی سرزمینی کشور که مدخلی برای سازماندهی فضای سرزمینی است، باید دارای چنان ویژگی‌هایی باشد که از عهده هدف‌های زیر برآید:

- مکانیزمی روان و مناسب برای پاسداری از استقلال، یکپارچگی و تمامیت سرزمینی و امنیت ملی مهیا سازد؛
- چارچوب و کالبدی جهت مشارکت مردم در مدیریت‌های سیاسی فضاها و محیطی پی‌ریزی کند؛
- در راستای توسعه پایدار از توزیع بهینه منابع، بهره‌برداری مطلوب و منطقی کند؛
- قلمرو تحت حاکمیت را از دید استراتژیک کنترل و اعمال قانون کند (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۱).

یکی از دلایل اصلی توجه به مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بحث تعادل و توسعه متوازن مناطق در داخل یک کشور است. بنابراین در سطح منطقه، ایجاد یک تعادل منطقه‌ای میان مردم، اشتغال و محیط

زیست یکی از آرمان‌های پسندیده است (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۱۸-۱۱۷). نتیجه استفاده از برنامه-ریزی منطقه‌ای، توسعه پایدار سرزمینی در سطح منطقه‌ای است.

توسعه فرآیند جامعی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مداوم شرایط زندگی آحاد جامعه، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منابع و امکانات است (Attfiel & Barry, 1992: 94). برای نیل به توسعه‌ی پایدار یک وظیفه‌ی ضمنی، تغییر شکل اداره کشور، برنامه-ریزی و اجرای آن و دستیابی به زمامداری مناسب است (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۲). برنامه‌ریزی در راستای توسعه از بستر تقسیمات کشوری صورت می‌گیرد. نظام تقسیمات سیاسی ظرف و چارچوب ساختار تشکیلات اداری کشور را تعیین می‌کند. کارآمدی نظام تقسیمات کشوری زمانی محقق خواهد شد که بتواند بستر مناسبی را برای توسعه‌ی پایدار فراهم نماید و به این منظور توجه به زیرساخت‌های توسعه، به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد عنایت ویژه است. کوتاه شدن ساختار تشکیلات اداری و قطع ارتباط سطوح تقسیمات کشوری با سطح تخصیص منابع و امکانات، می‌تواند از جمله اقدامات اساسی در این مسیر باشد. مسئله مهم دیگر در تقسیمات کشوری، شناخت و مشخص کردن فضاهای توسعه یافته و توسعه نیافته و تعیین مرز و محدوده میان این فضاها است (احمدی و احمدی پور، ۱۳۸۴: ۲۷). فرآیند توسعه‌ی سرزمین در حکم سه ضلع مثلث هستند که ضلع‌های آن عبارت اند از: الف- تقسیمات سیاسی. ب- ساختار اداری. ج- میزان اختیارات.

توسعه‌ی سرزمین رابطه تنگاتنگی با سه عامل فوق دارد که رویاروی یکدیگرند، آنچه مسلم است، تقسیمات سیاسی پایه و ظرفی برای محتوا، با دو عامل دیگر هماهنگی دارد. هدف تقسیمات کشوری هم، در مرحله اول دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای، ایجاد توازن در واحدهای سیاسی سرزمین و کم کردن فاصله‌های فضایی است که در قالب شهرستان‌ها و بخش‌ها برای کشور ایجاد می‌شود تا شکاف‌های توسعه مناطق را به حداقل برساند. پژوهش پیش رو، با تأکید بر نگاه پوزیتویسم و تلفیق شاخص‌های پژوهش با نگرش رئالیسم انتقادی، می‌کوشد تا سازمان فضایی روستاهای مرزی استان خراسان جنوبی را بررسی کند. باید توجه داشت که هرچند پوزیتویسم با ظهور مکتب انتقادی و نیز شاخه‌های نظری برآمده از پسامدرنیتیه (همچون پاساخترگرایی، پساپدیدارشناسی و غیره)، با انتقاداتی مواجه شده است، اما «روش‌های عینی، کمی، تأکید بر اصول تجربی، استفاده از نقشه، نمودار، آمار و سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی در آن برای مطالعات موردی کارگشا خواهد بود» (Beyes & Steyaert, 2012: 46). از سوی دیگر، به دلیل آنکه رئالیسم انتقادی به زمینه‌ی فضایی و کلیت آن در یک بافت اقتصادی-اجتماعی توجه شایانی دارد، می‌توان گفت که با ترکیب پوزیتویسم و رئالیسم انتقادی، نتیجه‌گیری دقیق‌تری نسبت به الگوی پراکنش فضایی در بحث توسعه دست یافت.



### ۳) روش تحقیق

پژوهش پیش رو از لحاظ روش، علی-مقایسه‌ای است و ماهیت آن کاربردی است. تعداد ۲۳ شاخص از شاخص‌های توسعه که دربردارنده‌ی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، شاخص‌های آموزشی-فرهنگی، شاخص‌های بهداشتی-درمانی و شاخص‌های زیرساختی انتخاب گردیده است. داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد استانداری و فرمانداری‌های چهار شهر نهبندان، درمیان، زیرکوه و سریشه واقع در قسمت مرزی استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۲ گردآوری گردید. جامعه‌ی آماری پژوهش، دهستان‌های شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی و حجم نمونه مورد مطالعه منطبق بر جامعه آماری به تفکیک مرزهای سیاسی داخل دهستان در مقیاس دهستان، به تعداد ۱۱ دهستان مشخص شده است. به منظور سطح‌بندی دهستان‌های مرزی استان از لحاظ میزان برخورداری از شاخص مورد بررسی، از روش شباهت به گزینه‌ی ایده‌آل (تاپسیس)<sup>۱</sup> و از ضریب آنتروپی شانون برای تعیین ضریب اهمیت (وزن) هر یک از شاخص‌ها استفاده شده است.

#### روش تاپسیس:

مرحله‌ی اول، بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم‌گیری: به منظور قابل مقایسه نمودن معیارهای ماتریس تصمیم با یکدیگر، باید ماتریس تصمیم‌گیری که از معیارهایی با مقیاس‌های مختلف تشکیل شده است را به ماتریس بی‌مقیاس تبدیل نمود. روش‌های مختلفی برای بی‌مقیاس‌سازی معیارهای ماتریس تصمیم‌گیری وجود دارد. در این مدل بیشتر از روش بی‌مقیاس‌سازی نورم استفاده می‌شود. فرم ریاضی این روش به صورت رابطه زیر است.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$$

مرحله دوم، تعیین ضریب اهمیت یا وزن معیارها: تعیین ضریب اهمیت هر یک از معیارها و تشکیل ماتریس بی‌مقیاس و نیز با مفروض بودن بردار  $w$  به عنوان ورودی به الگوریتم (اصغرپور، ۱۳۸۷: ۲۶۱). وزن یا ضریب اهمیت ( $W_i$ ) هر یک از شاخص‌ها را می‌توان براساس رویکردها و نظریات کارشناسانه، روش‌های تقریبی چون میانگین هندسی، میانگین حسابی و روش‌های پیچیده‌تر مانند روش کمترین مربعات معمولی و لگاریتمی، بردار ویژه AHP، ضریب آنتروپی و روش‌های دیگر تعیین نمود.

مرحله سوم، یافتن ایده‌آل‌های مثبت ( $A^*$ ) و منفی ( $A^-$ ) که از روابط ریاضی زیر محاسبه شده است:

<sup>۱</sup> Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS)

$$A^* = \left\{ (\max_i v_{ij} | j \in J), (\min_i v_{ij} | j \in J') \right\}$$

$$A^* = \{v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*\}$$

رابطه: (۲)

$$A^- = \left\{ (\min_i v_{ij} | j \in J), (\max_i v_{ij} | j \in J') \right\}$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}$$

رابطه: (۳)

مرحله چهارم، محاسبه میزان فاصله از ایده آل مثبت ( $A^*$ ) و ایده آل منفی ( $A^-$ ): در این مرحله برای هرگزینه فاصله از حل های ایده آل مثبت و منفی (ضد ایده آل) به ترتیب با استفاده از روابط زیر محاسبه می شوند:

$$S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$$

رابطه: (۴)

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

رابطه: (۵)

مرحله پنجم، محاسبه ی نزدیکی نسبی  $S_i$  به راه حل ایده آل: میزان نزدیکی نسبی هر یک از گزینه ها به ایده آل مثبت به روش ذیل قابل محاسبه است.

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$$

رابطه: (۶)

مرحله پنجم، رتبه بندی گزینه ها بر اساس مقادیر  $C_i^*$ : میزان عددی  $C_i^*$  بین ۰ و ۱  $C_i^*$  در نوسان است. در این راستا  $C_i^* = 1$  نشان دهنده بالاترین رتبه و  $C_i^* = 0$  نشان دهنده پایین ترین رتبه است (زبردست، ۱۳۸۰: ۱۵). این تکنیک به ما امکان می دهد تا شاخص ها را به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه کرده و امتیاز آن ها را نسبت به تنها یک شاخص بسنجیم تا نهایتاً به یک امتیاز مجموع برای هر شاخص دست یابیم (شریف زادگان و فتحی، ۱۳۸۴: ۳). بدیهی است که وزن دادن به شاخص ها در مقایسات زوجی راحت تر و مطمئن تر از حالات دیگر است، همچنین استفاده از این مدل در جریان وزن دهی باعث می شود تا در ضمن ارزیابی، تعصبات دخیل نباشد (Mahmoodzadeh & other, 2007; 335).

روش آنتروپی شانون:

روش آنتروپی که به نام مبدع آن، آنتروپی شانون<sup>۱</sup> نیز نام دارد، در سال ۱۹۷۴ توسط کلود شانون و وارن ویور<sup>۲</sup> ارائه شده است (Stone, 2014: 45). آنتروپی، بیان کننده‌ی مقدار عدم اطمینان در یک توزیع احتمال پیوسته است (عطائی، ۱۳۸۹: ۵۵). اساس این روش بر این پایه استوار است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است (Millon, 1999: 33). زمانی که داده‌های یک ماتریس تصمیم‌گیری به طور کامل مشخص است و تصمیم‌گیرنده بخواهد با توجه به این داده‌ها، اوزان شاخص‌ها را محاسبه نماید، از این تکنیک می‌تواند برای وزن‌دهی به شاخص‌ها استفاده نماید (اکبری و زاهدی، ۱۳۸۷: ۴۶).

از طریق مطالعات اسنادی، آمار و داده‌های مربوط به تحقیق گردآوری شد. سپس معیارها به شاخص-های بی‌مقیاس تبدیل و پس از آن، ارقام به دست آمده، در دامنه‌های آماری مشخص که در جدول شماره ۲ بیان شده است، تقسیم گردید تا ارقام کمی با داده‌های کیفی که در ۵ سطح تعریف شده است، تعریف گردد (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): ارزش کیفی شاخص‌ها و معیارها و کمی سازی به اعداد و ارقام

آموزشی- فرهنگی به ۱۰۰۰ نفر	بهداشتی-درمانی به ۱۰۰۰ نفر	اقتصادی- اجتماعی به ۱۰۰۰ نفر	خدمات زیرساختی به درصد	ارزش کیفی متغیرها و شاخص‌ها
۰.۹۰ - ۰.۱۷۸	۰.۶۶ - ۰.۲۷	۲.۶۶ - ۳.۲۷	۱۰۰ - ۸۰	خیلی خوب
۰.۶۸ - ۰.۸۹	۱.۹۶ - ۲.۶۵	۱.۹۶ - ۲.۶۵	۷۹.۹۹ - ۶۰	خوب
۰.۴۵ - ۰.۶۷	۱.۹۵ - ۱.۳۱	۱.۹۵ - ۱.۳۱	۵۹.۹۹ - ۴۰	متوسط
۰.۲۳ - ۰.۴۴	۰.۶۶ - ۱.۳	۰.۶۶ - ۱.۳	۳۹.۹۹ - ۲۰	بد
۰ - ۰.۲۲	۰ - ۰.۶۵	۰ - ۰.۶۵	۱۹.۹۹ - ۰	خیلی بد

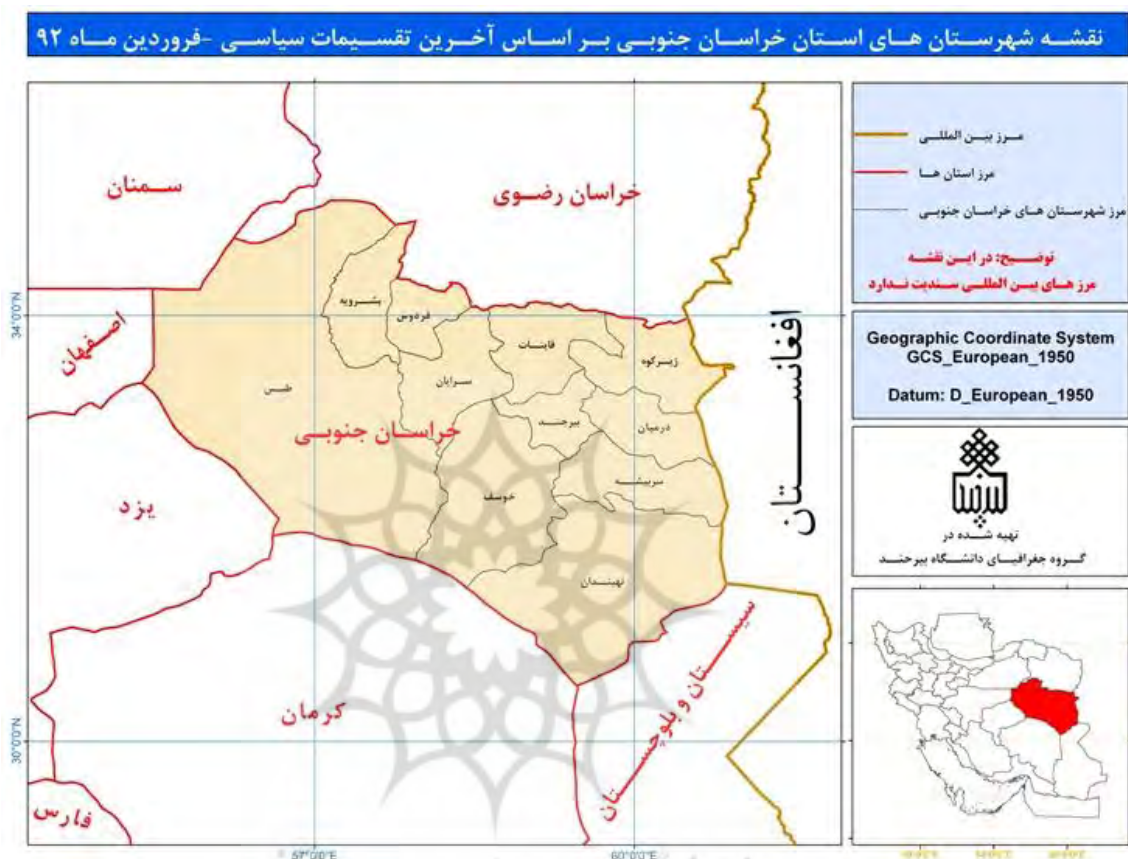
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

استان خراسان جنوبی، شرقی‌ترین استان ایران، دارای ۸۲۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت است که بین ۵۷ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (بانک داده‌های علوم زمین ایران، ۱۳۹۲). بیش از ۲۲ درصد مساحت استان خراسان جنوبی را بیابان‌ها تشکیل داده‌اند که این مقدار بیش از ۶ درصد از بیابان‌های کل کشور را شامل می‌شود. اقلیم استان از نوع خشک و بیابانی است، اما با توجه به موقعیت قرارگیری مناطق پست یا مرتفع، به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) اقلیم خشک و گرم: شامل دشت‌ها و مناطق هموار مرکز، غرب و جنوب استان؛ ب) اقلیم خشک و ملایم: که در بخش‌های مرتفع شمالی، شمال غربی استان

<sup>1</sup> Shannon Entropy

<sup>2</sup> Claude E. Shannon and Warren Weaver

واطراف بیرجند مشاهده می‌شود. از این رو، چهار شهرستان مرزی این استان (نهبندان، درمیان، زیرکوه و سربیشه) دارای اقلیم گرم و خشک است. منطقه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش دهستان‌های چهار شهرستان مرزی استان خراسان جنوبی، شامل شهرستان نهبندان، درمیان، زیرکوه و سربیشه هستند که همگی در مرز ایران و افغانستان واقع شده‌اند (شکل ۱).



#### ۴ یافته‌های تحقیق

##### اول، شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی

مناطق مرزی به دلیل اهمیت استراتژیک و بُرد ملی، اصولاً باید از توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی بهینه و همگنی برخوردار باشد. ناگفته پیداست که شاخص‌های اقتصادی در هر مکانی اهمیت شایانی دارند، اما زمانی که سخن از مناطق مرزی به میان می‌آید، این مناطق به کدهای ژئوپلیتیک تبدیل می‌شوند؛ بدین معنی که مناطق مرزی به مثابه‌ی یک واحد یا فضای جغرافیایی می‌توانند محل منازعه، تنش، مشاجره، همکاری، رقابت و چه بسا درگیری شوند. از همین روی، در کشورهای توسعه‌یافته، ثبات در مناطق مرزی و فراهم کردن زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی مرزنشینان از اولویت برخوردار است. چنین رفتار و کنشی بدین سبب روی می‌دهد که توانمندی و تقویت مناطق مرزی، رابطه‌ی مستقیمی با توانمندی و ثبات یک

کشور خواهد داشت. بیهوده خواهد بود اگر کسانی بپندارند که بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی در مرز، سبب تحکیم قدرت مرکزی خواهد شد؛ چراکه از نظرگاه ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، مرز و مناطق مرزی دارای اهمیت استراتژیک هستند؛ یعنی هرگونه بی‌ثباتی و تغییر در این مناطق، بر دیگر مناطق یک کشور در سطح ملی اثر خواهد گذاشت. بنابراین، ساخت و پرداخت مناطق مرزی و توسعه‌ی فضایی شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی در آن به صورت همگن و غیرتبعیضی، سبب استحکام در امنیت و دوام ملی خواهد شد.

در ارتباط با شاخص‌های این پژوهش، از آنجا که تحدیدهای آماری برای داده‌های کیفی به صورت سلیقه‌ای بیان می‌شود و دایره‌ی نامحدودی از اعداد را در بر می‌گیرد (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۱۸۹)، به منظور قرار دادن ارقام در محاسبات، باید این ارقام تبدیل به یک واحد معناردار وزنی شوند تا کمیت و وزن هر شاخص مشخص شود. در این پژوهش، با استفاده از روش آنترویی، وزن هر شاخص مشخص شد. بنابراین، شاخص اقتصادی- اجتماعی مناطق مرزی استان خراسان جنوبی، ۵ زیر شاخص بدین صورت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که عبارتند از: وجود شرکت‌های تعاونی با وزن (۰.۵۰۵)، فروشگاه با وزن (۰.۱۲۶)، نانوایی با وزن (۰.۰۷۷) و مراکز فروش نیازهای روزانه (خاروبار فروشی) با وزن (۰.۰۴۷) و مراکز تعمیر ماشین آلات کشاورزی با وزن (۰.۲۴۵). جدول شماره ۳، ماتریس مقادیر اولیه‌ی شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی در منطقه‌ی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): ماتریس مقادیر اولیه مربوط به شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی در دهستان‌های مرزی خراسان جنوبی

دهستان. شاخص	تعاونی	فروشگاه	نانوایی	خاروبار فروشی	تعمیرگاه
گزیک	۱	۲	۱	۰	۳
میاندشت	۰	۱	۰	۰	۱
میغان	۱	۱	۲	۱	۱
شوسف	۱	۱	۰	۰	۱
نهارنجان	۲	۲	۱	۱	۱
بندان	۳	۷	۲	۳	۲
مومن آباد	۳	۶	۱	۲	۱
قهستان	۲	۴	۲	۱	۱
درج	۲	۲	۱	۱	۲
مود	۶	۱۳	۴	۳	۴
عرب‌خانه	۲	۳	۱	۲	۱

منبع: سالنامه‌ی آماری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۲.

نتایج محاسبات (در جدول شماره ۴) نشان می‌دهد، در ارتباط با شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی، محروم‌ترین گزینه، دهستان میاندشت است. در مجموع باید گفت به غیر از مودکه با تفاوت امتیاز چشم

گیری در این زمینه جایگاه اول را کسب کرده است، دیگر دهستان‌ها از میزان توسعه یافتگی مشابهی نسبت به هم برخوردار هستند و تفاوت آنها به لحاظ امتیاز تاپسیس به دست آمده زیاد نیست.

جدول شماره (۴): شاخص شباهت و فاصله از ایده‌آل و ضد ایده‌آل بر اساس شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی

گزینه‌ها	فاصله از ایده‌آل	فاصله از ضد ایده‌آل	شاخص شباهت	وضعیت برخورداری
مود	۰.۱۸۶	۰.۳۰۹۳	۰.۶۲۴۹	برخوردار
بندان	۰.۳۰۰۴	۰.۱۸۵۳۲۹	۰.۳۸۱۵۱	نیمه برخوردار
مومن آباد	۰.۳۰۶۹	۰.۱۷۶۳۶	۰.۳۶۲۸۷۵	
نهارنجان	۰.۳۱۲۳۹	۰.۱۷۲۳۴۵	۰.۳۵۵۵۴۵	
عرب‌خانه	۰.۳۱۲۳۶	۰.۱۷۲۳۴۳	۰.۳۵۵۵۴۱	
گزیک	۰.۳۲۱۵۹۵	۰.۱۶۳۳۸	۰.۳۳۶۸۸۳	محروم
میغان	۰.۳۲۱۵۶۵	۰.۱۶۳۳۷	۰.۳۳۶۶۸۰	
شوسف	۰.۳۲۱۵۶۰	۰.۱۶۳۲۶	۰.۳۳۶۶۷۶	
قهستان	۰.۳۲۱۵۵۹	۰.۱۶۳۱۶	۰.۳۳۶۶۶۹	
درج	۰.۳۲۱۵۵۶	۰.۱۶۳۰۳	۰.۳۶۶۶۶۰	
میاندشت	۰.۳۲۱۵۵۶	۰.۱۶۳۰۳	۰.۳۶۶۶۶۰	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

#### دوم، شاخص‌های آموزشی-فرهنگی

به منظور دخالت دادن معیارهای فرهنگی و آموزشی در محاسبات، تعداد ۸ زیر شاخص بدین صورت مورد ارزیابی قرار گرفتند؛ شمار مکان‌های ورزشی با وزن (۰.۳۶)، تعداد دبستان پسرانه با وزن (۰.۰۲)، وجود دبستان دخترانه در دهستان با وزن (۰.۰۴۱)، مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه با وزن (۰.۰۷۶)، مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه با وزن (۰.۰۷۶)، دبیرستان پسرانه با وزن (۰.۱۰۲)، دبیرستان دخترانه با وزن (۰.۲۱۳) و سرانجام، کتابخانه با وزن (۰.۱۳۱) انتخاب و محاسبه گردید.

جدول شماره (۵): ماتریس مقادیر اولیه مربوط به شاخص‌های آموزشی - فرهنگی در دهستان‌های مرزی خراسان جنوبی

دهستان/شاخص	اماکن ورزشی	دبستان پسرانه	دبستان دخترانه	مدرسه راهنمایی دخترانه	مدرسه راهنمایی پسرانه	دبیرستان پسرانه	دبیرستان دخترانه	کتابخانه
گزیک	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
میاندشت	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۰
میغان	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰
شوسف	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰
نهارنجان	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰
بندان	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰
مومن آباد	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰
قهستان	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰
درج	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مود	۲	۲	۲	۳	۳	۱	۱	۲
عرب‌خانه	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰

منبع: سالنامه‌ی آماری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۲

در ارتباط با شاخص‌های آموزشی و فرهنگی، بر خلاف شاخص اجتماعی و اقتصادی، هیچ دهستانی تسلط توسعه‌ای کامل بر دیگر دهستان‌ها ندارد و شاخص‌های شباهت به دست آمده، بسیار نزدیک به هم است.

جدول شماره (۶): شاخص شباهت و فاصله از ایده‌آل و ضد ایده‌آل بر اساس شاخص‌های آموزشی - فرهنگی

گزینه‌ها	فاصله از حد ایده‌آل	فاصله از ضد ایده‌آل	شاخص شباهت	وضعیت برخورداری
مود	۰.۱۸۲۹۴۳	۰.۲۰۰۶۸۸	۰.۵۲۳۱۲۷	برخوردار
درج	۰.۱۸۷۸۳۱	۰.۱۹۵۴۹۲	۰.۵۰۹۹۹۲	
گزیک	۰.۱۹۶۳۱	۰.۱۸۷۴۶۳	۰.۴۸۸۴۷۴	نیمه برخوردار
میاندشت	۰.۲۰۰۱۲۵	۰.۱۸۳۳۹۲	۰.۴۷۸۹۹۰۳	
میغان	۰.۲۰۳۵۷۳	۰.۱۷۹۶۴۳	۰.۴۶۸۷۷۷	محروم
بندان	۰.۲۰۳۵۷۳	۰.۱۷۹۶۴۳	۰.۴۶۸۷۷۷	
شوسف	۰.۲۰۷۳۸۸	۰.۱۷۶۱۶۹	۰.۴۵۹۲۲۰۵	
مومن آباد	۰.۲۰۷۳۸۸	۰.۱۷۶۱۶۹	۰.۴۵۹۲۲۰۵	
قهستان	۰.۲۰۷۳۸۸	۰.۱۷۶۱۶۹	۰.۴۵۹۲۲۰۵	
عرب‌خانه	۰.۲۱۱۹۹۴	۰.۱۷۰۲۷۷	۰.۴۴۵۴۳۶	
نهارنجان	۰.۲۱۲۴۳۶	۰.۱۶۹۶۹۷	۰.۴۴۴۰۷۸	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

## سوم، شاخص‌های بهداشتی-درمانی

از حیث بهداشتی-درمانی یافته‌ها نشان داد (جدول ۷)، شمار خانه‌های بهداشت در سطح دهستان با وزن (۰.۰۶۶)، تعداد مراکز بهداشت در سطح دهستان با وزن (۰.۲۴۹)، تعداد بهیار در سطح دهستان با وزن (۰.۰۶۵)، تعداد پزشک با وزن (۰.۵۴) و تعداد داروخانه با وزن (۰.۰۸۱).

جدول شماره (۷): ماتریس مقادیر اولیه مربوط به شاخص‌های بهداشتی-درمانی در دهستان‌های مرزی خراسان جنوبی

دهستان. شاخص	خانه‌ی بهداشت	مرکز بهداشت	بهبیار	پزشک	داروخانه
گزیک	۱	۱	۱	۰	۰
میاندشت	۱	۰	۱	۰	۰
میغان	۱	۱	۱	۰	۰
شوسف	۱	۱	۱	۱	۱
نهارنجان	۱	۰	۱	۰	۰
بندان	۱	۰	۲	۰	۰
مومن آباد	۱	۱	۲	۱	۱
قهستان	۱	۰	۱	۰	۰
درج	۱	۱	۲	۰	۰
مود	۲	۱	۴	۲	۱
عرب‌خانه	۱	۰	۱	۰	۰

منبع: سالنامه‌ی آماری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۲.

مطابق اطلاعات جدول ۸، دهستان مود، در ارتباط با خدمات و شاخص‌های بهداشتی و درمانی یک مکان بهینه بوده و توسعه‌یافته‌ترین دهستان است و همانند شاخص اجتماعی و اقتصادی، این دهستان گرانیگاه توسعه در استان خراسان جنوبی به شمار می‌رود.

جدول شماره (۸): شاخص شباهت بر اساس شاخص‌های بهداشتی-درمانی

گزینه‌ها	فاصله از حد ایده آل	فاصله از ضد ایده آل	شاخص شباهت	وضعیت برخورداری
مود	۰.۲۱۵۳۶۱	۰.۳۳۸۸۲۲	۰.۶۱۱۳۹	برخوردار
مومن آباد	۰.۲۶۶۲۴	۰.۲۸۵۲۵۳	۰.۵۱۷۲۳۸	نیمه برخوردار
شوسف	۰.۲۷۷۶۸۹	۰.۲۷۱۸۱۶	۰.۴۹۴۶۵۶	
قهستان	۰.۲۹۰۲۷۸	۰.۲۶۰۱۲۴	۰.۴۷۲۶۰۷	
میغان	۰.۳۰۱۷۸۵	۰.۲۴۹۱۶۶	۰.۴۵۲۲۴۷	
نهارنجان	۰.۳۱۰۳۱۷	۰.۲۳۵۱۵۸	۰.۴۳۱۱۱۰۷	
بندان	۰.۳۲۲۸۴	۰.۲۲۲۷۵۹	۰.۴۰۸۲۸۴	
درج	۰.۳۳۷۸۲۵	۰.۲۰۴۵۵۵	۰.۳۷۷۱۴۳	
عرب‌خانه	۰.۳۶۱۸۵۵	۰.۱۸۱۱۹۹	۰.۳۳۳۶۶۷	محروم
گزیک	۰.۳۷۴۰۶۴	۰.۱۶۹۰۹	۰.۳۱۱۳۱۲	
میاندشت	۰.۳۸۵۵۷	۰.۱۵۸۱۳۳	۰.۲۹۰۸۴۴	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.



## چهارم، توسعه‌ی زیرساختی

به منظور اعمال این معیار، ۶ زیرشاخص شامل درصد مراکز سکونتی دارای برق، گاز، آب لوله کشی شده، مخابرات و نهایتاً درصد مراکز سکونتی دارای دفتر پست و خدمات ارتباطی مورد تحلیل قرار گرفت. ضریب اهمیت هر یک از این زیر شاخص ها نیز همانند دیگر شاخص‌ها به روش آنتروپی تعیین شده است.

جدول شماره (۹): ماتریس مقادیر اولیه مربوط به شاخص‌های توسعه‌ی زیرساختی در دهستان‌های مرزی خراسان جنوبی

دهستان شاخص	برق	گاز	آب	مخابرات	دفتر پست
گزیک	۲۳	۳۱	۴۵	۱	۰
میاندشت	۳	۰	۱۱	۰	۰
میغان	۱۵	۱۱	۲۸	۱	۰
شوسف	۳۸	۳۴	۶۱	۱	۱
نهارنجان	۱۴	۱۰	۲۹	۱	۰
بندان	۱۷	۰	۳۳	۰	۰
مومن آباد	۲۰	۰	۱۹	۰	۰
قهستان	۲۱	۳۰	۴۰	۱	۰
درج	۳۳	۳۰	۲۹	۰	۰
مود	۷۶	۸۹	۹۴	۲	۱
عرب‌خانه	۴	۰	۱۹	۰	۰

منبع: سالنامه‌ی آماری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۲

نتیجه‌ی محاسبات در جدول ۱۰ نشان می‌دهد دهستان مود به‌عنوان گزینه‌ی برخوردار از نظر شاخص‌های توسعه‌ی زیرساختی قرار دارد. همچنین سازماندهی فضایی توسعه‌ی زیرساخت‌ها در دهستان‌های مورد مطالعه، گذشته از محرومیت چشمگیر، به شدت نامتوازن و ناهمگن است.

جدول شماره (۱۰): شاخص شباهت بر اساس شاخص‌های توسعه‌ی زیرساختی

گزینه‌ها	فاصله از حد ایده آل	فاصله از ضد ایده آل	شاخص شباهت	وضعیت برخوردار
مود	۰.۳۰۵۲۴۹	۰.۵۱۰۲۱۶	۰.۶۲۵۶۶۷۵	برخوردار
شوسف	۰.۳۷۶۷۴۲	۰.۴۳۴۲۶۶	۰.۵۳۵۴۶۴	نیمه برخوردار
درج	۰.۳۷۶۷۴۲	۰.۴۳۴۲۶۶	۰.۵۳۵۴۶۴	
گزیک	۰.۳۸۵۴۳۴	۰.۴۲۴۷۴	۰.۵۲۴۲۵۷	
قهستان	۰.۳۸۵۴۳۴	۰.۴۲۴۷۴	۰.۵۲۴۲۵۷	
میغان	۰.۳۹۶۰۲۹	۰.۴۱۴۳۸۸	۰.۵۱۱۳۲۷	
نهارنجان	۰.۳۹۶۰۲۹	۰.۴۱۴۳۸۸	۰.۵۱۱۳۲۷	
بندان	۰.۳۹۶۰۲۹	۰.۴۱۴۳۸۸	۰.۵۱۱۳۲۷	
مومن آباد	۰.۳۹۶۰۲۹	۰.۴۱۴۳۸۸	۰.۵۱۱۳۲۷	
عرب‌خانه	۰.۴۸۳۸۷۹	۰.۳۲۵۶۶۷۹	۰.۴۰۲۲۹۲	محروم
میاندشت	۰.۵۰۹۳۴۲	۰.۳۰۳۱۱۶	۰.۳۷۳۰۸۵	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

## ۵) نتیجه‌گیری

بررسی نابرابری و چگونگی پراکنش فضایی آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، در سال‌های اخیر مورد اقبال برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران قرار گرفته و وجود نابرابری در ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی به‌شمار می‌رود. از جمله عواملی که می‌تواند ثبات و پایداری نسبی را در مناطق ایجاد کند و تنش و منازعه را حداقل در حوزه‌ی فقر و محرومیت اقتصادی بکاهد، توسعه‌ی همگن و سازمان فضایی بهینه است. چنین امری باید در پی توسعه‌ی همه‌جانبه و همگن مناطق باشد و سازمان سیاسی فضا را به گونه‌ای سامان بخشد که شاخص‌های توسعه در آن رشد یابد و زمینه‌های محرومیت و نابرخورداری به حداقل برسد. پژوهش حاضر با پاسخ به این پرسش که چگونه دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی به مثابه‌ی یک سازمان با زمینه‌ی اجتماعی- اقتصادی خود پیوند خورده‌اند، کوشیده است تا از دریچه‌ی رئالیسم انتقادی، اهمیت برخورداری از شاخص‌های اقتصادی را آشکار کند. به‌نظر می‌رسد که می‌توان با سنجش برخورداری فضایی به یک شاخص کلی برای وضعیت امنیتی دست یافت؛ بدین‌سان که با کاهش بهره‌مندی یک منطقه از شاخص‌های اقتصادی، می‌توان انتظار داشت که وضعیت امنیتی آن منطقه نیز خوشایند نباشد. از این رهگذر، نتایج این پژوهش، نشان داد که دهستان مود، از نظر شاخص اقتصادی- اجتماعی، آموزشی- فرهنگی، بهداشتی- درمانی و توسعه‌ی زیرساختی بهترین شرایط را دارد و در نتیجه در سطح‌بندی نهایی نیز به عنوان تنها دهستان برخوردار از میان دهستان‌های شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی شناخته شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دهستان‌های مود، درح، مومن‌آباد، میغان و شوسف به ترتیب رده‌های نخست تا پنجم الگوی متوازن توسعه‌ی فضایی را به خود اختصاص داده‌اند. در این رده‌بندی چهار دهستان قهستان، میاندشت، نهارنجان و عرب‌خانه به ترتیب طیف گروه محروم را شکل می‌دهند.

روی‌هم رفته، در سطح استان خراسان جنوبی از تعداد ۱۱ دهستان به عنوان حجم نمونه، از نظر توسعه شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی، آموزشی- فرهنگی، بهداشتی- درمانی و شاخص‌های زیربنایی، ۶ دهستان شامل درح، مومن‌آباد، میغان، بندان، شوسف و گزیک به عنوان دهستان‌های نیمه برخوردار و چهار دهستان به ترتیب شامل قهستان، میاندشت، نهارنجان و عرب‌خانه به عنوان دهستان‌های محروم شناسایی شدند. با این حال، دهستان مود به عنوان تنها گزینه‌ی برخوردار از همه‌ی شاخص‌های پژوهش نیز، وضعیت چندان دلچسبی ندارد و فاصله‌ی عددی آن با شاخص‌های توسعه، تقریباً زیاد است. چنین الگویی، نشان از عدم تجانس و توازن در ساخت فضایی شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی است. از آنجا که واحدهای مرزی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و نیز در امنیت ملی کشور، اهمیت و نقشی استراتژیک دارند، بایستگی توجه به توسعه‌ی پایدار مناطق مرزی باید در اولویت حاکمیت قرار گیرد. توسعه‌ی متوازن، افزون بر آسان ساختن برنامه‌ریزی‌های امنیتی و پاسداری از مرز، از دیگر کژرفت‌های

اقتصادی (قاجاق)، اجتماعی (روی آوردن به اشتغال کاذب) و فرهنگی (فقر و محرومیت) نیز پیشگیری می‌کند.

چنانچه احمدیان و همکاران (۱۳۹۰) نیز در بررسی‌های خود بر روی سطح برخورداری فضایی و ارتباط آن با توسعه‌ی پایدار نشان داده‌اند، سازماندهی فضایی در چارچوب آمایش سرزمین، برآمده از نابرابری‌های منطقه‌ای (عدم وجود تعادل میان استان‌های یک کشور، عدم تعادل شهری- روستایی، لزوم مشارکت محلی در فرآیند توسعه، لزوم هماهنگی میان سیاست‌های ملی و محلی، تأمین عدالت اجتماعی و تأمین نابرابری میان مناطق) است که به قطبی شدن فزاینده درآمد، فرصت‌های اشتغال، دسترسی به آموزش، خدمات و سایر تسهیلات میان مناطق مرزی می‌انجامد. برنامه‌ریزی فضایی یا سازماندهی فضایی روندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی ایجاد شده در فضای جغرافیایی و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتاب‌های تخریبی و منفی در فضای سرزمین. موضوع سازماندهی فضایی در مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی مورد توجه است. در هر یک از سطوح مذکور دستیابی به الگوی مناسب فضایی که در آن سطوح مختلف سکونتگاهی بتوانند در قالب یک نظام سلسله مراتبی کارآمد در ارتباط متقابل باهم قرار گیرند، مورد نظر است. اهمیت و ارزش مناطق مرزی، به ویژه آنگاه که یک امتداد ژئوپلیتیکی را در آن سوی مرزها تشکیل می‌دهند، فزاینده و سزاینده می‌شود.

## ۶) منابع

- احمدی، سید عباس و زهرا احمدی پور، (۱۳۸۴)، نقش تقسیمات کشوری در توسعه مناطق با تاکید بر کاهش رقابتهای مکانی، مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد در ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۲۰-۳۳.
- احمدیان، مهدی، تقوایی، مسعود و جابر علی‌زاده، (۱۳۹۰)، تحلیل فضایی و سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان میان‌دوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- احمدی پور، زهرا و علیرضا منصوریان، (۱۳۸۵)، تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵)، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، صص ۸۹-۶۲.
- اصغر پور، محمد جواد (۱۳۸۱)، شاخص‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- اطاعت جواد و زهرا موسوی، (۱۳۸۷)، تقسیمات کشوری و توسعه‌ی پایدار: مطالعه‌ی موردی ایران، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، صص ۷۴-۵۷.
- اکبری، نعمت الله و مهدی زاهدی، (۱۳۸۷)، کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- بانک داده‌های علوم زمین ایران (۱۳۹۲)؛ مختصات جغرافیای استان خراسان جنوبی، قابل دسترسی

- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت.
- پورطاهری، مهدی، محمدی، ناهیده و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۹۳)، ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود، فصلنامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۹، صص ۴۰-۱۷.
- جمعه‌پور، محمد (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی: دیدگاهها و روشها، تهران، انتشارات سمت.
- رهنما، محمد رحیم و زهرا احمدی پور، (۱۳۸۳)، درجه‌بندی نظام تقسیمات کشوری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۴۸-۳۵.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۲)، ارزیابی روش‌های تعیین سلسله مراتب و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در رویکرد عملکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی، نشریه‌ی هنرهای زیبا، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۳، صص ۶۳-۵۲.
- شاهرخی ساردو، صالح و مهدی نوری‌پور، (۱۳۹۴)، بررسی وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت، فصلنامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۴۰-۱۹.
- شریف زادگان، محمد حسین و حمید فتحی، (۱۳۸۴)، ارزیابی آسیب‌پذیری زیست محیطی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در حوزه‌های سه‌گانه‌ی زیست محیطی البرز به روش سلسله مراتبی، علوم محیطی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۰، صص ۲۰-۱.
- شکویی، حسین (۱۳۸۴)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: جلد دوم فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران: گیتاشناسی.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- عطائی، محمد (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ی فازی، انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود.
- قنبری، قاسم (۱۳۸۷)، تحلیل عوامل موثر بر ارتقا سطوح تقسیمات کشوری مورد استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری در ایران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم
- کریمی‌پور، یدالله و حمیدرضا محمدی، (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران، تهران، نشر انتخاب.
- معصومی اشکوری، سیدحسن (۱۳۷۶)، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: نشر صومعه سرا.
- مومنی، مهدی (۱۳۷۷)، درآمدی بر اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، اصفهان: انتشارات گویا
- Attfield, R., and Wilkins, B., (1992). **International justice and the third world**, London: Routledge
- Beyes, T., & Steyaert, C., (2012). **Spacing organization: non-representational theory and performing organizational space**. Organization, 19, 45-61.
- Cavallaro, F., (2010). **A Comparative Assessment thin-film photovoltaic production processes using the ELECTRE III method**, Energy Policy (38): 463- 474.
- Clegg, S. R. & Kornberger, M. (2006). **Space, organizations and management theory**. Malmö: Liber.
- Giddens, A. (1984). **The constitution of society: Outline of the theory of structuration**. Cambridge: Polity Press
- Granovetter, M. (1985). **Economic action and economic structure: the problem of embeddedness**. American Journal of Sociology, 91, 481-510.
- Hernes, T. (2004). **The spatial construction of organization**. Amsterdam: John Benjamins.

- Hui, Y. T, Bao, H. H & Siou, W. (2008). **Combining ANP and TOPSIS Concepts for Evaluation the Performance of Property-Liability Insurance Companies**, Science Publications, Journal of Social Sciences 4 (1), Yuanpei University, Taiwan: pp 56-61.
- Jadidi, O., T.S. Hong, F. Firouzi, R.M. Yusuff, N. Zulkifli (2008). **TOPSIS and fuzzy multi-objective model integration for supplier selection problem**, Department of Mechanical and Manufacturing Engineering, University Putra Malaysia, VOLUME 31, ISSUE 2; pp. 762-769.
- Millon, T. (1999). **Oxford Text Book of Psychopathology**, Oxford University Press, New York.
- Müller, M. (2013). **Geography of Organization, International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences**. Second edition. James D. Wright (editor). Elsevier: Amsterdam
- Opricovic. S., & Tzeng. GH, (2004). **Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS**. European Journal of Operational Research, 156: 445° 455.
- Persson, T. (2005), **Forms of Democracy, Policy and Economic Development**, NBER Working Paper, No. 11171.
- Persson, T. and Tabellini, G. (2014). **The growth effect of democracy: Is it heterogeneous and how can it be estimated?** Cambridge: National Bureau of Economic Research.
- Philo, C. and Parr, H. (2000). **Institutional geographies: introductory remarks**, GEOFORUM, 31(4), pp. 513-521
- Soja, E.W. (1971). **The Political Organization of Space**, Association of American Geographers, Washington, DC. Commission on College Geography.
- Soja, E.W. (1989). **Postmodern Geographies: The Reassertion of Space in Critical Social Theory**, Verso
- Stone, JV. (2014). **Information Theory: A Tutorial Introduction**, University of Sheffield, Published by Sebtel Press.
- Weick, K. (1979). **The social psychology of organizing**. Random House: New York.
- Xia, H.C., Li, D.F., Zhou, J.Y. and Wang, J.M., (2014). **Fuzzy Lin Map method for multi-attribute decision making under Fuzzy environments**, Journal of Operational Research (131): 587- 620.